

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

میرویس ودان محمودی

۱۰ اگست ۲۰۱۲

باید برای حصول آزادی و رهائی از چنگ استعمار و استثمار انقلاب مسلحانه کرد!

در کشوری که ارتجاع بومی تا به دندان مسلح باشد و کوچکترین حرکت دموکراتیک را با زبان تفنگ جواب دهد چگونه می توان مبارزه صلح آمیز نمود و یا چگونه در یک انتخابات آزاد می توان قدرت سیاسی را غضب نمود؟ در کشوری که توسط امپریالیسم جهانی اشغال گشته و تمامی مقدراتش زیر پای چکمه پوشان فاشیست استعمار و نوکران بومی اش له شده باشد و آزادی ملی اش به گروگان گرفته شده باشد چگونه می توان به پیشواز یک انتخابات دموکراتیک شتافت و چگونه می توان با نیرو های ارتجاعی که مصدر خیانت ها – جنای هات – وطنفروشیها و آدمکشیها شده اند سر سازش را باز کرد و با آنها گویا به مبارزه پارلمانی پرداخت؟ این امر که انقلاب از راه مسالمت آمیز پیروز می گردد و یا آن که با ریختن خون دشمنان مردم و غرش تفنگها تولد دردناکی را پشت سر می گذارد و یا از طریق شورش دموکراتیک به وجود می آید تابع اوضاع ساختار اقتصادی – اجتماعی و عکس العمل نیروهای ارتجاعی جامعه کهنه می باشد که خود را برای مقابله با جامعه نو مجهز می کند. جامعه نوینی که محصول تضادهای درونی است و آن تضاد ها در درون جامعه کهنه پرورش یافته است. پس در شرایط فعلی بالاخص در افغانستان جنگزده و فقر زده چگونه می توان با سازش با نیرو های کهنه که علیه تعالی ، ترقی و ایجاد جامعه نوین بنابر مقتضیات عصر حاضر مقابله می کنند زیر یک سقف نشست و مبارزه پارلمانی کرد و گویا از طریق مسالمت آمیز و مصلحت آمیز انقلاب دموکراتیک را به پیروزی رسانید؟ انقلابیون واقعی بیهوده به قهر انقلابی متوسل نمی شوند ولی هر گاه لازم آید بی درنگ آن را به کار می برند تا زمینه تولد (جامعه نوین) را فراهم نمایند. جامعه نوینی که به بردگان سرمایه و توده های استثمار شده زندگی شایسته ای را نوید می دهد. در شرایط کنونی جامعه افغانستان تنها و تنها قهر می تواند جامعه را از حالت مستعمراتی کنونی بیرون کرده و جامعه کهنه را با مناسبات کهن فیودالی اش واژگون و نابود بسازد. هر لغزش انقلابیون و بی تفاوتی نسبت به نقش تعیین کننده تفنگ در تغییر جامعه، انقلاب را نابود و شرایط انقلاب کردن را ده ها سال دیگر به عقب می راند.

فعالاً شرایط عینی برای یک انقلاب قهر آمیز آماده است و اما کمبود یک گردان پیشرو انقلابی در این برهه زمانی به مثابه شرط ذهنی محسوس می باشد. با تأسف سازمان های معینی با گذشته انقلابی در اسارت و دام افکار سکتاریستی، قومپرستی، انجونیسم و دمسازی با امپریالیسم گیر کرده اند و توانائی آن را ندارند تا انحرافات را از خود بزدایند.

هر کدام این سازمانها با همان برنامه های کاری قبلی به شکلی خود را در سطح جامعه مطرح می سازند و اما هیچ گاه برنامه شفاف برای انقلاب کردن را مطرح نکرده، گامی جهت تحقق آن برنداشته اند تا از آن طریق سنگ بنای وحدت نیروهای انقلابی را فراهم ساخته، از درون خون و آتش رهبران اصیل انقلاب را به جامعه معرفی بدارند.

انقلاب در افغانستان امری است اجتناب ناپذیر؛ این واقعیت در نتیجه اوضاع بهره کشی وحشتناکی که انسان افغان در آن در سه دهه گذشته به سر می برده و شدیداً استثمار شده است، برخاسته است. نیرو های کهن که در عقب مذهب پنهان اند همچنان مسلح می باشند، هیچ گاه قدرت را به میل و رغبت خود رها نمی کنند و شرایط یک تغییر مسالمت آمیز دموکراتیک را دشوار ساخته اند و چنان مفکوره ای هم در افغانستانی که اکثریت مردمش از نگاه سواد جبراً محروم مانده اند فکری ابلهانه و ساده لوحانه می باشد.

پس نیرو هائی که واقعاً می خواهند بر ویرانه های جامعه کهن جامعه نوینی را برای آسایش افغان در بند و رنجور به ارمغان بیاورند باید بدانند که چنین جامعه ای تنها و تنها از طریق تفنگ امکان پذیر است و بس!